

بایسته های اجرایی اصل ۳۵ قانون اساسی

شهرام محقق دولت آبادی^۱، سید جعفر هاشمی^۲

^۱ دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی میبد- وکیل پایه یک دادگستری

^۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی میبد

نام نویسنده مسئول:

شهرام محقق دولت آبادی

چکیده

اصل ۳۵ قانون اساسی ضمن تاکید برحق دفاع و انتخاب وکیل از طرف افراد، تعیین و تامین وکیل برای کسانیکه توانایی انتخاب وکیل را ندارند از وظایف حاکمیت اعلام نموده و دولت می بایست در راستای اجرای آن اقداماتی را به انجام رساند و این درحالی است که تاکنون هیچ اقدام عملی درجهت تحقق این اصل از طرف دولت صورت نگرفته است و هرچند بعضاً با تصویب قوانین حمایتی از برخی اقشار محدود جامعه مقررات معاضدتی وجود دارد ولیکن این مقررات به واسطه فراگیر نبودن جامعیت نداشته و در نیل به این مقصود ناکافی بوده است. امروزه گران بودن دستمزد و حق الوکاله وکلا از یک سو و عدم توانایی مالی و اقتصادی اکثریت افراد جامعه از سوی دیگر به عنوان یکی از مهمترین عواملی است که دسترسی و سطح مراجعه مردم به وکلا را با کاهش و چالش چشمگیری مواجه نموده است. اهمیت حفظ و رعایت حقوق مردم به منظور دستیابی و برخورداری کلیه اقشار جامعه از خدمات حقوقی وکیل، اقتضاء مینماید که دولت مکانیزم ها و سیاست گذاری های مدونی را در اجرای این اصل چاره اندیشی نماید. درمقاله حاضر این موضوع مورد بررسی و نقد قرار گرفته و درنهایت بر لزوم تشکیل سازمان خدمات حقوقی کشور برای نیل به این منظور ارائه طریق شده است.

واژگان کلیدی: بایسته های اجرایی، توانایی انتخاب وکیل، امکانات تعیین وکیل، سازمان خدمات حقوقی کشور، بیمه وکالت- معاضدت حقوقی.

مقدمه

امروزه اهمیت مسائل حقوقی به جهت اینکه در ارتباط تنگاتنگ با مسائلی چون جان، مال، آبرو، حیثیت و امنیت اجتماعی تک تک افراد جامعه است کمتر از مسائل درمانی و پزشکی افراد نیست بلکه در پاره ای موارد اهمیت آن بیشتر نیز می باشد.

در قانون اساسی ما نیز (اصول ۱۵۸ و ۴۳ و ۲۹ و ۲۰) بطور عام هم وظیفه تامین درمان و هم بسط و گسترش عدالت و حفظ و تامین حقوق افراد از وظایفی است که بعهدہ حاکمیت (قوه قضائیه و دولت) گذاشته شده و اصل ۳۵ قانون اساسی نیز به صراحت و بطور خاص مقرر نموده: «در همه دادگاه ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» دولت در خصوص ارائه خدمات درمانی و تامین بهداشت افراد جامعه اقدامات موثری را به انجام رسانده ولیکن در خصوص ارائه خدمات حقوقی به اقشار مختلف جامعه علیرغم در پیش گرفتن راه حل های مختلف و تصویب قوانین حمایتی پراکنده از جمله قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۹ و قانون حمایت قضائی از نیروهای بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ و تبصره ۲ ماده واحده قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضائی مصوب سال ۱۳۷۴ در خصوص خانواده شهدا و ایثارگران و مددجویان کمیته امداد توفیق چندانی را در این خصوص نداشته است چراکه اغلب دستگاهها و مراجع ذیربط بدلیل نداشتن نیروی کافی و کارشناس و نماینده حقوقی مورد نیاز در خصوص وظایف محوله اقدامات موثری را انجام نداده و آنان را به سوی شعب معاضدت قضائی کانون وکلا سوق می دهند (باختر، ۱۳۸۸، ص ۸۳) و این در حالی است که کانون های وکلا نیز به موجب قوانین موجود صرفاً به افراد بی بضاعت و محروم تحت شرایطی خاص ارائه خدمات حقوقی مینمایند و از طرفی کانون های وکلا مستقل از دولت و حاکمیت بوده و دولت در اداره و یا سیاست گذاری عملکرد آنان در این خصوص نقشی ندارد. در این نوشتار ابتدا به نقش و وظیفه کانون های وکلا در تعیین و در اختیار قراردادن وکیل برای افرادی که توانایی گرفتن وکیل را ندارند و نیز محدودیت های آن سخن خواهیم گفت سپس به بایسته های دولت در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی می پردازیم.

۱- نقش کانون های وکلای دادگستری

کانون های وکلای دادگستری به موجب قوانین موجود کشور از ابتدای تاسیس تاکنون تنها مرجع قانونی رسمی است که وظیفه معاضدت قضائی و در اختیار قراردادن وکیل معاضدتی برای افراد محروم و بی بضاعت را بعهدہ داشته و تاکنون به فراخور توسعه قضائی در محاکم این وظیفه را در حد توان و امکانات خود انجام داده است مطابق بند ۲۲ ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری یکی از وظایف مهم کانون وکلا معاضدت قضائی است که بوسیله وکلای عضو کانون انجام می گیرد براساس ماده ۲۳ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ « وکلای عدلیه مکلف اند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند.» ماده ۲۴ قانون مارالذکر نیز شرایط برخورداری از خدمت معاضدتی را چنین بیان داشته است:

« کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله را ندارند، می توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط بر این که دعوی با اساس بوده و راجع به شخص تقاضا کننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضائی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.» در مورخ ۱۳۱۶/۳/۱۹ آئین نامه قانون وکالت تصویب گردید. این آئین نامه فصل دوم خود را به تشکیلات کانون وکلا و معاضدت قضائی اختصاص داد که مشتمل بر ۱۹ ماده از شماره ۳۱ تا ۴۹ می باشد، در مورخ ۱۳۸۴/۳/۷ نیز ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت ا. شاهرودی به موجب بخشنامه شماره ۱/۸۴/۲۷۹۰ و به منظور امکان دسترسی کلیه اقشار مردم به وکلای دادگستری و اجرای دقیق و سریع عدالت در محاکم با استفاده از اختیارات حاصله از ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ آئین نامه اجرائی ماده ۳۲ را به تصویب رسانده و آنرا جهت اجرا در محاکم دادگستری و تمامی شهرستان های سراسر کشور در روزنامه رسمی ابلاغ نمودند. مطابق ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری « در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام کند اقامه تمام یا بعضی از دعوی حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاههای دادگستری با دخالت وکیل دادگستری خواهد بود. کانون وکلای دادگستری مکلف به تامین وکیل معاضدتی برای اشخاص بی بضاعت یا کسانی که قادر به تأدیه حق الوکاله در موقع انتخاب وکیل نیستند خواهد بود. تشخیص عدم بضاعت یا عدم توانائی اشخاص برای تأدیه حق الوکاله با دادگاه مرجع رسیدگی به دعوی و در مورد شکایت فرجامی با دادگاهی میباشد که رای مورد شکایت فرجامی را صادر کرده است خواهد بود...» لذا الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعوی معین و نیز محدوده جغرافیائی معین با اختیار عدول از اجرای آن در صورت بروز مشکلات به تشخیص و اختیار قوه قضائیه سپرده شده بود که با گذشت بیش از ۲۷ سال از تصویب این ماده سرانجام قوه قضائیه اقدام به تصویب آئین نامه اجرائی مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مارالذکر (معروف به آئین نامه اجباری شدن وکالت) نموده ماده ۱ این آئین نامه مقرر می داشت: « اقامه کلیه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاههای دادگستری با

دخالت وکیل دادگستری با مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه سوم خواهد بود.» با بروز اشکالاتی که در فاصله کمتر از دو ماه از انتشار این آئین نامه می گذشت و یا اختیار حاصله از ماده ۳۲ همان قانون تبصره ماده ۱ آئین نامه مارالذکر مجدداً ریاست محترم قوه قضائیه به موجب بخشنامه اصلاحی شماره ۱/۸۴/۴۵۷۸ مورخ ۸۴/۴/۱۸ دایره شمول وکالت اجباری در دعاوی را محدود نمود. ولیکن آنچه در راستای این بخشنامه و آئین نامه مارالذکر حائز اهمیت می باشد رسیدن مسئولین امر به این نتیجه مهم بود که یکی از شاخص های توسعه قضائی به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و بسط و توسعه عدالت و رسیدگی دقیق به پرونده ها و نیز کاهش حجم پرونده در محاکم و ... ، نهادینه شدن حرفه وکالت و دخالت وکیل در دعاوی دادگستری است . حضور و مشارکت وکیل دادگستری در محاکم نه تنها سلامت کار دادگاهها را تضمین می کند بلکه به مردم این اطمینان را می دهد که حق و حقوق آنان در پرونده مراعات شده و دادگاه نیز طبق مقررات به دعوی آنان رسیدگی نموده و از وظایف قانونی خود عدول ننموده است ولیکن علیرغم قوانین و مقررات و آئین نامه ها و بخش نامه های موجود در رسیدن به این اهداف توفیقی حاصل نگردیده است .

۲- چالش های شعب معاضدت قضایی قانون وکلا

امروزه علیرغم گذشت چندین سال از فعالیت شعب معاضدت حقوقی ، این شعب نیز در ارائه خدمات حقوقی با چالش های اساسی زیر روبرو بوده است:

۱- موکلین معاضدتی و متقاضیان از بعد روانی در مراجعه به شعب معاضدت قضائی قانون های وکلای دادگستری دچار مشکل هستند و دوست ندارند به دید افراد ضعیف اجتماع به آنها نگاه شود حتی بعضی از آنان وقتی متوجه می شوند جهت احراز عدم بضاعت مالی آنان از طرف شعبه معاضدت در خصوص وضعیت مالی آنان تحقیق می شود از خود ضعف و عکس العمل نشان داده و اظهار می نمایند اگر قرار است در محل زندگی یا کارمان، در خصوص وضعیت مالی ما ، تحقیق شود آبروی ما در سطح جامعه می رود و حاضر به این کار نمی باشند و بعضاً از تقاضای خود منصرف می شوند و از طرف دیگر موکل و متقاضیان معاضدتی همواره به جهت اینکه به وکلای خود بابت پیگیری پرونده خود پولی پرداخت نمی کنند همواره با این ذهنیت مواجه هستند که چون به وکیل خود نتوانسته ایم وجهی پرداخت کنیم و او بطور رایگان پیگیری پرونده ما می باشد پس آنگونه که باید و شاید پیگیری پرونده من و مدافع من در محکمه نخواهد بود و هرچند که وکلای معاضدتی نیز تمامی سعی و تلاش خود را در جهت احقاق حق نامبرده نیز بکاربرند بازهم این تصور در ذهن آنان وجود دارد که وکیل معاضدتی ما پیگیری پرونده نیست و ازبابت این مساله بارها شکایات متعددی به شعب معاضدت رسیده ولیکن وقتی از طرف شعبه موضوع پیگیری می شود نتیجه اقدامات وکیل را جویا می شوند مشاهده می شود که وکلا بدرستی به وظایف معاضدتی خود آگاه بوده و تمامی اقدامات لازم را برای موکل انجام داده اند و آنچه منجر به این شکایت شده چیزی نیست جز این ذهنیت و تصور متقاضی که از بعد روانی همیشه فکر می کند که وکیل معاضدتی چون پولی نگرفته برای او کاری انجام نمی دهد؟!

۲- از طرف دیگر برخی از وکلا نیز بر این باورند که ارائه خدمات در کلیه مشاغل اجتماع از پائین ترین رده شغلی تا بالاترین رده شغلی مجانی نبوده و هرکس در برابر عملی که انجام می دهد می بایست دستمزد و حقوق خود را دریافت نماید و این نکته مورد تاکید دستورات اسلامی نیز هم می باشد چرا که اسلام معتقد است عمل انسان محترم است پس چگونه انتظار دارید که وکیل دادگستری در ابتدا باید مجاناً و آن هم به تکلیف و اجبار قانون خدمات حقوقی و وقت خود را در اختیار متقاضی قرار دهد؟! که در برخورد با این چالش نیز شعبه معاضدت ناچار می بود با سیاست و سایر اهرم های دیگر برخورد و مقابله نماید. تا اینکه اخیراً آئین نامه اجرائی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دیماه ۱۳۵۵ در ۱۰ ماده و یک تبصره با پیشنهاد قانون وکلای دادگستری مرکز در مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسید براساس ماده ۳ آئین نامه مذکور میزان حق الوکاله قابل پرداخت برای هر مورد وکالت تسخیری یا معاضدتی مبلغ دو میلیون ریال تعیین شده و به موجب تبصره همین ماده نحوه پرداخت آنرا به وکلای دادگستری برابر دستورالعملی که توسط قانون وکلای مرکز با مشورت با کانونهای وکلای دیگر تهیه می شود مقرر نموده است . همچنین در ماده ۷ این آئین نامه منبع مالی و اعتبار مورد نیاز جهت اجرای آن نیز مشخص گردیده به موجب ماده ۷ آئین نامه مذکور اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضائیه موظف است همه ساله اعتبار مورد نیاز حق الوکاله وکالت تسخیری و معاضدتی را که توسط کانون وکلای دادگستری مرکز برآورد و پیشنهاد می گردد در لایحه بودجه قوه قضائیه منظور تا پس از تصویب بر اساس موافقتنامه بودجه جاری مصوب درخواست کانون وکلای مرکز از طریق ذیحسابی دادگستری در اختیار کانون وکلای مرکز قرارگیرد. با تصویب این آئین نامه گرچه دغدغه تعدادی از وکلا از جهت دریافت حق الزحمه وکالت های معاضدتی و تسخیری تا حدودی مرتفع می گردد ولیکن در کل بار مالی سنگینی از این حیث بر بودجه کشور تحمیل می گردد و این در حالی است که با استفاده از راهکارهای دیگر از جمله همین طرح پیشنهادی می توان خدمات حقوقی را به هموطنان با نرخ اندک و با کیفیت بهتر و حجم گسترده تر و بدون صرف هزینه های سنگین از بودجه کشور ارائه نمائیم .

۳- برطبق مقررات حاکم و رویه فعلی، شعب معاضدت قضائی صرفاً در پرونده های حقوقی وکیل معاضدتی برای متقاضیان تعیین می نمایند و درخصوص پرونده های کیفری با عنایت به ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک و تبصره آن مصوب سال ۱۳۹۲ چنانچه متهم در پرونده هایی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است اقدام به معرفی وکیل ننماید بازپرس در این مرحله برای وی وکیل تسخیری انتخاب مینماید بنابراین مراجعه مستقیم افراد و درخواست تعداد زیادی از متقاضیان که دارای سایر جرائم و پرونده های کیفری در دادسرای های عمومی و انقلاب و نیز دادسرای نظامی و محاکم جزائی مربوطه می باشند به استثنا آنچه که در تبصره مذکور قید گردیده از طرف شعبه معاضدت اجابت نخواهد شد. همچنین شعب معاضدت پاسخگوی تقاضای مراجعین جهت گرفتن وکیل معاضدتی که دارای پرونده در مراجع غیر قضائی از قبیل هیأت های تشخیص و حل اختلاف اداره کار- هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون های رسیدگی کننده مختلف شهرداری و تامین اجتماعی و مالیاتی و... نیز مراجعی از قبیل شوراهای حل اختلاف و دیوان عدالت اداری و تعزیزات حکومتی و نیز مراجع انتظامی در نظام پزشکی و کانون وکلای کانون کارشناسان رسمی دادگستری و دادگاه انتظامی قضات و... می باشند نبوده و وکیل معاضدتی در اختیار اینگونه متقاضیان که در مراجع مذکور دارای پرونده می باشند قرار نمی دهند بنابر این حقوق مردم به لحاظ عدم آشنائی آنان با حق و حقوق خود و شرح وظایف و نحوه رسیدگی هریک از مراجع مذکور و نیز عدم اطلاع از قوانین و مقررات مربوطه و چگونگی ورود و طرح دعوی در اینگونه مراجع در معرض آسیب های غیر قابل جبران مادی و معنوی قرار خواهد گرفت. ضمن آنکه منجر به صرف وقت و هزینه گزاف هم برای هریک از مراجع مذکور و هم برای مردم خواهد بود.

۴- متقاضیان وکیل معاضدتی در رویه فعلی حق انتخاب وکیل دلخواه و مورد نظر خود را درخصوص پیگیری پرونده خود در محاکم قضائی نداشته و شعب معاضدت در حال حاضر بر اساس حروف الفباء و به نوبت پرونده ها را به وکلای دادگستری ارجاع می دهند و در این راستا چه بسا وکیل منتخب در خصوص خواسته و پرونده ارجاعی متقاضی دارای تجربه و تخصص و تبحر لازم نباشد لازم به ذکر است که هم اکنون اکثر وکلای دادگستری بر اساس تبحر و تخصص و روحیات خود صرفاً پرونده های خاصی را می پذیرند.

۵- از سوی دیگر اگر هدف ما تامین و بسط عدالت و آشنائی مردم با حق و حقوق خود و دفاع از پرونده های آنان در محاکم قضائی باشد پس در اینجا چه فرقی بین افراد بی بضاعت و محروم و یا ثروتمند می باشد؟ و آیا با یکی دو مورد حمایت قضائی از یک نفر در سیستم قضائی به این هدف رسیده ایم؟!.

لازم به ذکر می داند در ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی ماده ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری که به موجب بخشنامه ۱۳۸۴/۳/۷ مورخ ۱۱/۸۴/۲۷۹۰ ریاست محترم قوه قضائیه به کلیه محاکم دادگستری ابلاغ شده است بیمه وکالت نیز پیش بینی شده است این ماده مقرر می دارد: «با توجه پیگیری مسئولان ذیربط در قوه قضائیه در جهت احیای فرهنگ وکالت، شرکت بیمه تعرفه و شرایط و نرخ بیمه حق الوکاله را با گروه بندی بیمه شدگان و با در نظر گرفتن تخفیف گروهی و فرانشیز و جدول تعهدات بیمه گردد پنج وضعیت اعلام کرده که با انعقاد قرارداد بیمه حق الوکاله، جبران هزینه های دفاع (منحصراً حق الوکاله) در دعاوی مطروحه علیه افراد بیمه شده جبران می شود لذا رؤسای دادگستری ها و دادستانها با عملی کردن بیمه وکالت در حوزه های قضائی با همکاری ادارات بیمه دخالت وکیل و مشاوران حقوقی را در اجرای سریع این آئین نامه تسهیل نماید و بدین منظور در هر حوزه قضائی شهرستان به ریاست رئیس دادگستری شهرستان و عضویت دادستان عمومی و انقلاب و رئیس اداره بیمه مربوطه و نماینده کانون وکلای استان با مساعی لازم به این امر اقدام شود.» همانگونه که ملاحظه می گردد ضرورت تامین خدمات حقوقی و دسترسی به وکیل جهت دفاع در محاکم بوسیله قوه قضائیه نیز احساس گردیده ولیکن باتوجه به اینکه مراجعه مردم به ادارات بیمه اختیاری است و نه اجباری و نرخ خدمات و بهره مندی از آن نیز برای مردم مقرون به صرفه نبوده با استقبال مردم مواجه نگردیده و عملاً توقیفی در این باب نیز حاصل نگردیده و به نظر اینجانب قوه قضائیه علیرغم تلاش های خود در این زمینه به اهداف عالی خود دست نیافته است.

۳- طرح تشکیل سازمان خدمات حقوقی کشور

دولت به منظور اجرای اصول ۴۳ و ۲۹ قانون اساسی در جهت ارائه خدمات درمانی و پزشکی به افراد جامعه مبادرت به تاسیس دو سازمان بنامهای سازمان خدمات درمانی کشور و سازمان تامین اجتماعی به موجب قانون نمود و مکانیزم ها و روش های اجرایی اصول مذکور را فراهم آورد.

پیشنهاد می گردد دولت همان راه کاری را که در جهت تامین خدمات درمانی جامعه انجام داده و با تاسیس بیمه تامین اجتماعی و بیمه خدمات درمانی و با کسر وجوهی اندک از حقوق کارگران، کارمندان به صورت ماهیانه که آن هم بوسیله اداره متبوع ویا کارفرمایان آنان پرداخت می شود وظیفه درمانی افراد جامعه را بعهده گرفته با تاسیس سازمان خدمات حقوقی به طور مستقل و یا زیر نظر وزارت دادگستری و یا کانونهای وکلای کشور واخذ وجوهی اندک به همان صورت خدمات حقوقی را به افراد ملت ارائه نماید. افراد و اقشاری از جامعه نیز که

دارای مشاغل آزاد می باشند به همان نحو می توانند یا بصورت آزاد به وکلا مراجعه نمایند و یا از طریق پرداخت حق بیمه به سازمان خدمات حقوقی (خویش فرما) به مثابه سایر افراد از خدمات حقوقی و مزایای سازمان خدمات حقوقی بهره مند گردند. در این طرح همانطور که پزشکان با سازمان های ذیربط قرارداد امضاء می نمایند و دستمزد و هزینه های عمل و غیره را پس از معالجه افراد از سازمان مربوطه دریافت می نمایند و کلا نیز با عقد قرارداد با سازمان خدمات حقوقی پس از مراجعه مردم و گرفتن وکالت از آنان ، حق الوکاله خود را طبق تعرفه از سازمان مربوطه دریافت خواهد نمود بدیهی است در این طرح همانطور که یک کودک از زمان بدنیا آمدن از داشتن پزشک و خدمات درمانی بهره مند است از داشتن وکیل و خدمات حقوقی هم بهره مند خواهد بود از طرف دیگر تضمین امنیت شغلی مناسبی نیز برای مشاوران و وکلای دادگستری بوجود خواهد آمد مضاف بر اینکه در صورت مراجعه مردم به وکلا برای مشاوره و حل مشکلات حقوقی خود و توسل به اقدامات پیشگیرانه و رعایت بهداشت قضائی و حقوقی از سوی مردم حجم پرونده های محاکم دادگستری نیز ، قطعاً کمتر خواهد شد. در این صورت به همه اهداف خود در جهت تامین و بسط عدالت دست خواهیم یافت ضمن آنکه از لحاظ سیاسی نیز چنانچه این طرح در کشور جامع عمل بپوشد نه تنها جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری خواهد بود که جهت تامین عدالت و دسترسی کلیه اقشار جامعه به خدمات حقوقی اقدام به تاسیس چنین سازمانی نموده بلکه با عملی نمودن این طرح مقابله محکم و قاطعی با فشارهای سیاسی بین المللی در خصوص شعار عدم رعایت حقوق بشر در ایران نموده است. در این طرح مشاغل و افراد ذیل را می توان از پرداخت حق بیمه جهت برخورداری از خدمات حقوقی معاف نمود:

۱- **دولت** : وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ، شرکتهای دولتی ، نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیر دولتی بدلیل آنکه تکلیفی به معرفی وکیل دادگستری برای طرح هرگونه دعوی یا دفاع و تعقیب آن در محاکم ندارند.

۲-

۲- **دارندگان رتبه های قضائی و قضات دادگستری شاغل و بازنشسته و وکلای دادگستری و فارغ التحصیلان رشته حقوقی** به لحاظ آنکه از دانش و تخصص حقوقی برخوردارند.

ضمناً اشخاص حقوقی خصوصی را نیز می توان به موجب قانون خاص مکلف نمود که در بدو تاسیس مبادرت به استخدام مشاور حقوقی از بین دارندگان مدرک کارشناسی حقوقی یا رشته های مرتبط نمود تا ضمن ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان رشته حقوق و مرتبط با آن اینگونه اشخاص نیز بتوانند از طریق مشاوران و کارشناسان حقوقی خود به دفاع و طرح و تعقیب دعوی آنان اقدام نمایند.

نتیجه گیری

با بهره مندی از این طرح نتایج و فواید ذیل به دست خواهد آمد:

- ۱- بسط و گسترش عدالت در سطوح مختلف جامعه و تامین امنیت حقوقی افراد و رعایت بهداشت قضائی و حقوقی در جامعه
- ۲- دسترسی آسان به وکلای دادگستری و بهره مندی کلیه اقشار جامعه از خدمات حقوقی با نرخ اندک
- ۳- تضمین و امنیت شغلی برای فارغ التحصیلان رشته حقوق و وکلا
- ۴- ایجاد اشتغال در جامعه از طریق استخدام و بکارگیری نیروی لازم در سازمان های خدمات حقوقی و نهادهای جانبی در سراسر کشور
- ۵- رفع اطاله دادرسی در محاکم و کاهش پرونده در سیستم قضائی
- ۶- صرف جوئی در بودجه کل کشور
- ۷- کاهش فشارهای سیاسی با حربه عدم رعایت حقوق بشر بر کشور جمهوری اسلامی ایران

منابع و مراجع

- [۱] قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
- [۲] لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۲
- [۳] قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶
- [۴] قانون حمایت قضایی از نیروهای بسیج مصوب ۱۳۷۱
- [۵] قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳
- [۶] قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی مصوب ۱۳۷۴
- [۷] قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- [۸] قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵
- [۹] آئین نامه اجرایی ماده ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶
- [۱۰] آئین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶
- [۱۱] بخشنامه شماره ۱/۸۴/۲۷۹۰ مورخ ۱۳۸۴/۳/۷ رئیس قوه قضاییه
- [۱۲] بخشنامه اصلاحی شماره ۱/۸۴/۴۵۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۸ رئیس قوه قضاییه
- [۱۳] سید احمد باختر، (۱۳۸۸) وکالت معاضدتی و تسخیری در حقوق ایران، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات جنگل